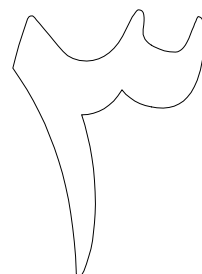


الزامات تئوریک
بازدارندگی منطقه‌ای
جمهوری اسلامی ایران



دکتر فرهاد قاسمی *

* دکتر فرهاد قاسمی استادیار روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک دانشگاه شیراز می‌باشد.
(fghasemi1@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۳۰

فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۸۳-۵۵.

چکیده

بازدارندگی منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین تئوری‌های روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک به‌ویژه پس از جنگ سرد و سقوط اتحاد جماهیر شوروی است. در این دوره دولت‌ها با تهدیدات نوین روبه‌رو می‌باشند. بنابراین آنها نیازمند طراحی سیستم‌هایی هستند که مدیریت و کنترل این تهدیدات را برعهده داشته باشند. سیستم بازدارندگی منطقه‌ای یکی از این سیستم‌هاست که خرده‌سیستم‌های منطقی و فیزیکی خاص خود را دارا می‌باشد همچنین مجموعه‌ای از فاکتورهای پیچیده و پویا به‌خصوص موانع جغرافیایی، محدودیت‌های ساختاری، فناوری نظامی، ساخت‌بندی نیروهای نظامی و... وجود دارد که نوع سیستم بازدارندگی را شکل می‌دهد. در این راستا مقاله حاضر ضمن طرح سیستم بازدارندگی منطقه‌ای به تجزیه و تحلیل بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: بازدارندگی، بازدارندگی منطقه‌ای، بازدارندگی شبکه‌ای، بازدارندگی غیرمستقیم، نظم منطقه‌ای

مقدمه

کشورها به دلیل داشتن اهداف متعارض، همیشه در معرض اقدام یا اقدامات نامطلوب رقبا قرار داشته و این موضوع به ویژه در مورد همسایگان از اهمیت بیشتری برخوردار است و لذا در جلوگیری از تحقق آن تلاش می‌نمایند. رفتار کشورها در طول تاریخ نیز گویای همین واقعیت است. در این راستا این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از بروز چنین رفتارهایی که سبب‌ساز تحمیل هزینه‌های زیادی بر واحدها خواهد شد، جلوگیری به عمل آورد؟ و چگونه می‌توان زمینه تحقق منافع ملی را فراهم نمود؟ پاسخ به چنین پرسشی، منجر به شکل‌گیری مفهوم تئوریک بازدارندگی و سیستم بازدارندگی خواهد شد.

از بُعد عملی نیز کاربرد این سیستم بعد از جنگ جهانی دوم و با پیدایش سلاح‌های هسته‌ای، تبدیل به امری رایج شد و به‌عنوان مهم‌ترین سیستم تنظیم روابط دو ابرقدرت به شمار می‌آمد. اما با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، موضوع بازدارندگی در سطح منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. امریکا به‌عنوان قدرت پیروز میدان، خود را با تهدیدهای متنوع و نوینی در سطوح منطقه‌ای روبه‌رو دید؛ از سوی دیگر قدرت‌های مهم و ناراضی منطقه‌ای نیز با تهدیدها و فرصت‌های جدیدی روبه‌رو شدند؛ لذا می‌توان گفت نظم سیستمی، ویژگی منطقه‌ای یافت. به همین جهت سیستم‌های مختلف مدیریت نظم و نحوه کاربرد آنها در امور منطقه‌ای، به‌عنوان یکی از پرسش‌های تئوریک حوزه روابط بین‌الملل مطرح شد؛ از سوی دیگر منطقه‌گرایی و فرایندهای مرتبط با آن و همچنین اولویت یافتن معضلات و از جمله تهدیدات منطقه‌ای این سیستم را از برجستگی ویژه‌ای برخوردار نموده است.

از سویی همجواری و وجود حوزه‌های استراتژیک مشترک، سبب تداخل منافع

کشورها و در نتیجه تهدیدات استراتژیک خواهد شد. همچنین اعمال تهدیدات علیه کشورها نیز مستلزم حوزه مکانی است که مناطق، این امکان را فراهم می‌آورند. سیستم مدیریت و کنترل مرکزی نیز از مناطق، به منظور تسهیل مدیریت خود بهره می‌برد که همین موضوع بازدارندگی منطقه‌ای را از منظر واحدهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای برجسته می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از واحدهای سیستم بین‌الملل و یکی از واحدهایی که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی در حد واسط چندین منطقه قرار گرفته، با فرصت‌ها و تهدیدات منطقه‌ای مختلف به‌ویژه از ناحیه قدرت مداخله‌گر روبه‌رو شده و به منظور جلوگیری از عملی شدن تهدیدات مذکور، بازدارندگی منطقه‌ای از جمله ضرورت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

بنابراین، پرسش اساسی این است که بازدارندگی منطقه‌ای در حوزه روابط بین‌الملل چگونه تحلیل می‌شود؟ و بنیان‌های آن در مورد ایران نیز چگونه تبیین خواهد شد؟ در پاسخ به پرسش مذکور، این موضوع مطرح می‌شود که بازدارندگی منطقه‌ای و مدل‌های آن براساس اجزا و حوزه‌های تشکیل دهنده منطقه شکل می‌گیرد. منطقه واحدهای خاصی تحت عنوان واحدهای مداخله‌گر - تحت‌الحمايه - واحدهای ناراضی منطقه‌ای و مداخله‌گران رقیب را به‌عنوان کارگزاران بازدارندگی مطرح می‌کند و محیط‌های استراتژیک خاصی را به‌عنوان محیط شکل دهنده سیستم بازدارندگی پدیدار می‌سازد. از تعامل این دو یعنی کارگزاران و محیط، سیستم‌های مختلف بازدارندگی به وجود می‌آیند اما با توجه به واقعیت‌های تجربی، به نظر می‌رسد مدل‌های بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده از طرف مداخله‌گر، و بازدارندگی غیرمستقیم و شبکه‌ای از ناحیه قدرت‌های درون منطقه‌ای در مقابل مداخله‌گر، مدل‌هایی هستند که در امور منطقه‌ای سیاست خارجی واحدهای منطقه‌ای، از کارآمدی برخوردار خواهند بود.

بدین ترتیب در پاسخ به پرسش اصلی، این فرضیه مطرح می‌شود که محیط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و متغیرهای موجود در دو محیط داخلی و بین‌المللی، سیستم بازدارندگی منطقه‌ای، شبکه‌ای با استراتژی‌های دفاعی را بر آن تحمیل می‌کند.

در پژوهش حاضر در پاسخ به سؤال اصلی و به‌منظور بررسی فرضیه، ابتدا

بنیان‌های مفهومی و تئوریک موضوع مطرح خواهد شد و پس از آن به تجزیه و تحلیل متغیرها و محیط شبکه‌ای ایران و تأثیر آن بر سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد.

بنیان‌های مفهومی

از دیدگاه نظریه‌پردازان بازدارندگی، نظم سیستمی زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آنها در صورت رخداد رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت. بنابراین در پاسخ به تجاوز بالقوه استراتژیست‌ها، باید با افزایش توانایی‌های نظامی و نشان دادن اراده تلافی، تهدیدات بازدارنده را تقویت نمایند (Wirtz, 2005: 388). بازدارندگی در روابط بین‌الملل به‌عنوان سیستمی فرض می‌شود که با بهره‌گیری از توانایی‌های مختلف در جهت مدیریت الگوهای رفتاری سیستم و همچنین ایجاد پوشش حفاظتی به‌منظور امکان‌پذیرسازی حرکت‌های استراتژیک در حوزه سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود. این سیستم براساس منطق و ساخت فیزیکی خاصی شکل می‌گیرد که به‌عنوان مدل‌های منطقی و فیزیکی بازدارندگی از آن یاد می‌شود.

مدل‌های بازدارندگی

مدل منطقی

اصولاً بازدارندگی نوع خاصی از رابطه سیاسی بین واحدهای درگیر در کنش متقابل با یکدیگر است که در آن یکی از واحدها سعی بر نفوذ بر دیگری دارد تا از این طریق مانع شکل‌گیری رفتارهای نامطلوب آن شود و این موضوع از طریق تهدید به مجازات یا محروم‌سازی طرف از منافع تحقق می‌یابد. اصول و مبانی این سیستم نیز در واقع‌گرایی ریشه خواهد داشت (قاسمی، ۱۳۸۴: ۵۰). به‌طورکلی از بُعد منطقی، سیستم بازدارندگی از دو بنیان تئوریک مهم یعنی تئوری‌های ساختاری و بازیگر خردمند برخوردار است (Garnham, 1996) اما در مجموع براساس بنیان‌های نظری، شکل‌گیری این سیستم مستلزم سه شرط بنیادین زیر خواهد بود:

■ ارتباط یعنی برقراری رابطه با حریف و آگاه ساختن آن از قصد و نیت و حدود اعمال ممنوعه؛

■ توانایی به علاوه عقلانیت یعنی توانایی تحمیل خسارت غیر قابل تحمل بر دشمن و عقلانیت طرفین در محاسبه سود و هزینه احتمالی رفتارهای خود؛ و

■ اعتبار یعنی تهدید واقعی و باور حریف به اینکه طرف مقابل از چنین توانایی برخوردار است. به عبارتی عقلانی بودن تهدید شرط اعتبار تهدید به حساب می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۳: ۸۷).

به‌طور کلی سیستم بازدارندگی استراتژیک بر اساس متغیرهای بنیادین زیر شکل می‌گیرد:

- ایجاد و حفظ توانایی‌های جنگی؛
- ردیابی تهدیدات؛
- برنامه‌ریزی جامع بازدارندگی استراتژیک؛
- امکان استفاده از بازدارندگی در سطح جهانی و منطقه‌ای؛
- به‌کارگیری کلیه ابزارهای نظامی و سیاسی؛
- نشان دادن توانایی‌های جنگی؛
- پیش‌بینی پاسخ مهاجم به تهدید، از طریق سیستم‌های تسلیحات استراتژیک؛
- قرار دادن مهاجم بالقوه در وضعیت عدم اطمینان؛ و
- تأمین امنیت ملی در کلیه سطوح تحول، ایجاد و استقرار سیستم‌های تسلیحات استراتژیک.

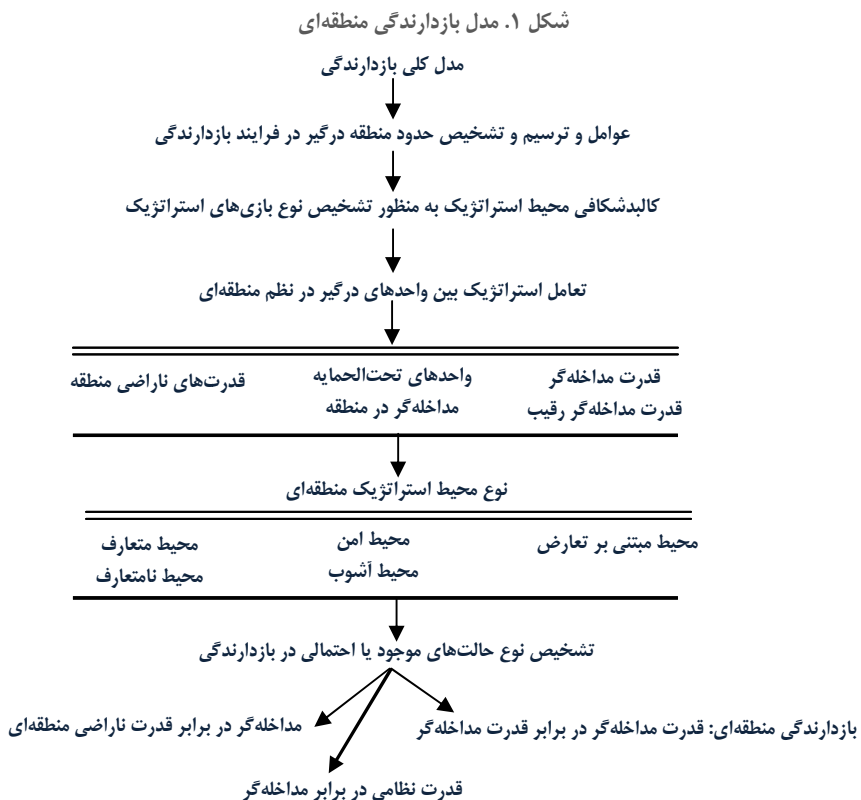
از سوی دیگر کارایی بازدارندگی استراتژیک به طراحی مکانیزم‌های کارآمدی بستگی دارد که سبب تجمع توانایی‌ها و انجام اقدامات کارآمد در مواقع ضروری می‌شود (kharyapin, 2005: 30-35).

مدل فیزیکی بازدارندگی

بازدارندگی علاوه بر مدل منطقی، دارای مدل فیزیکی خاصی است. از این منظر، گونه‌بندی‌های خاصی از این مدل صورت گرفته که هرکدام بر اساس متغیر ویژه‌ای استوار است؛ اما در وهله نخست باید گفت سیستم بازدارندگی منطقه‌ای با توجه به ساخت‌شناسی منطقه از دیدگاه کانتوری و اسپینگل که از سه بخش مرکز، پیرامون و مداخله‌گر تشکیل شده (Cantor, 1974)، دارای چهار گونه احتمالی از واحدهای زیر است که عبارتند از:

- قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای؛
- قدرت‌های تحت‌الحمایه قدرت مداخله‌گر در درون منطقه؛
- قدرت یا قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای؛ و
- سایر واحدهای درون منطقه‌ای.

در این راستا مدل بازدارندگی منطقه‌ای از کنش متقابل بین واحدهایی شکل می‌گیرد که در بیشتر مواقع از قدرت نامتقارن با یکدیگر برخوردارند. به عبارتی از آنجاکه منطقه همیشه از جزئی به نام مداخله‌گر برخوردار بوده و مداخله‌گر نیز از قدرت‌های بزرگ سیستم بین‌المللی است، بنابراین در بیشتر مواقع می‌توان نوعی عدم تقارن قدرت نظامی را در مدل بازدارندگی منطقه‌ای که میان قدرت مداخله‌گر و قدرت ناراضی منطقه‌ای نمایان می‌شود، مشاهده کرد. به‌طور کلی اجزای مدل بازدارندگی منطقه‌ای را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:



عوامل مؤثر بر بازدارندگی منطقه‌ای

بازدارندگی منطقه‌ای مستلزم به‌کارگیری دو دسته از ابزارهای دفاعی و تهاجمی است که هرکدام معطوف به نقاط هدفی است. از سوی دیگر، هر کشوری دارای نقاط آسیب‌پذیر و همچنین فرصت‌هایی است که می‌تواند بر نوع روش‌های بازدارنده آن مؤثر واقع شود؛ اما شناخت فرصت‌ها، محدودیت‌ها یا به‌کارگیری ابزارهای دفاعی - تهاجمی، مستلزم شناخت عوامل تأثیرگذار مربوطه است. در قالب تئوریک، انتخاب مدل بازدارندگی ارتباط مستقیمی با تئوری دفاع - تهاجم دارد.^۱ براساس این تئوری، دفاع یا تهاجم و نوع معادله بین آنها، کشورها را به اتخاذ یکی از آنها سوق خواهد داد؛ به عبارتی سهولت دفاع و مشکل بودن تهاجم، انتخاب استراتژی دفاعی و عکس آن، اتخاذ استراتژی تهاجمی را به دنبال دارد. سیستم بازدارندگی منطقه‌ای شدیداً تحت تأثیر متغیرهایی است که معادله مذکور را شکل می‌دهند. در این میان مهم‌ترین آنها عبارتند از:

■ جغرافیای طبیعی و فیزیکی مانند عوارض زمین، آب‌وهوا و دیگر عوامل سبب می‌شود اشغال نقطه هدف مشکل یا آسان شود. در سطح منطقه‌ای نیز برخی ویژگی‌های جغرافیایی به‌گونه‌ای است که زمینه را برای مداخله قدرت برون‌منطقه‌ای در سیستم فراهم می‌کند، یا زمینه را برای شبکه‌سازی استراتژیک مهیا می‌سازد؛

■ جغرافیای فرهنگی از جمله نقشه پراکندگی قومی - مذهبی و نقشه ارتباطی بین اقوام و گروه‌های مذکور می‌تواند سبب گسترش آسیب‌پذیری‌ها یا فرصت‌ها شود و از این طریق معادله دفاع - تهاجم را تحت تأثیر قرار دهد؛

■ جغرافیای انسانی و نقشه پراکندگی جمعیت، می‌تواند کشور را در برابر استراتژی ضد نیرو یا ضد شهر دشمن آسیب‌پذیر نموده و معادله مذکور را تغییر دهد؛

■ جغرافیای اقتصادی و نحوه پراکندگی مراکز و تأسیسات اقتصادی کشور؛

۱. از بُعد تئوریک رجوع شود به:

Stepgen Van Evera: "Offence, Defense, and Causes of War", *International Security*, Winter (1997-98), pp. 69-70.

■ عوارض و مناطق حساس که مقاصد انهدامی دشمن را تشکیل می‌دهند و نحوه توزیع این مناطق در کشور که می‌تواند آسیب‌پذیری‌ها را کاهش یا افزایش دهد؛

■ خطوط و شبکه ارتباطی منطقه و کشور از جمله راه‌ها، راه‌آهن، آبراه‌های داخلی، بنادر عمیق و غیره که سبب تسهیل دفاع یا تهاجم خواهند شد؛
■ ساخت یا ترکیب نیروهای مسلح و مأموریت‌های واگذار شده به آنها که کشور را در حوزه دفاع یا تهاجم قوی خواهد کرد؛
■ نوع تکنولوژی نظامی و تهاجمی یا دفاعی بودن آن؛

■ پیوند میان نظام سیاسی با مردم که در صورت استحکام چنین پیوندی، دفاع آسان‌تر خواهد بود و حتی در صورت اشغال، پیروزی دشمن را بسیار سخت می‌نماید؛

■ وجود مناطق یا شبکه‌های همجوار که از حساسیت ژئوپلیتیکی برخوردارند، بر معادله دفاع تهاجم مؤثر است؛ و

■ ساختار سیستم بین‌الملل و نوع سیستم‌های موجود بین‌المللی، محدودیت‌های خاصی را بر کشورها تحمیل می‌کند. البته این محدودیت به جایگاه نسبی دولت‌ها در ساختار بستگی دارد.

برخی نیز با دیدگاه سیستمی متغیرهای زیر را در معادله دفاع - تهاجم مطرح می‌کنند:

- نفوذپذیری‌های جغرافیایی؛
- درجه و میزان خویش‌تنداری؛
- محدودیت‌های ساختاری؛ و
- تکنولوژی نظامی (Tang, 2004: 1-34).

مدل‌های رایج بازدارندگی منطقه‌ای

در حوزه منطقه‌ای، به دلیل حضور قدرت مداخله‌گر که در زمره قدرت یا قدرت‌های بزرگ سیستمی به حساب می‌آیند، نوعی عدم تقارن قدرت بین طرف‌های احتمالی سیستم بازدارندگی شکل می‌گیرد که این عدم تقارن قدرت خود را در سیستم

بازدارندگی منطقه‌ای نشان خواهد داد. بنابراین نوعی بازی استراتژیک نابرابر به وجود می‌آید که در این وضعیت، معمولاً برای تحقق بازدارندگی و تحقق شرایط لازم، مدل‌های شبکه‌ای و غیرمستقیم بازدارندگی رایج می‌شوند. بدین لحاظ به‌طور کلی سه نوع سیستم بازدارندگی از رواج بیشتری در امور منطقه‌ای برخوردارند که عبارتند از:

- بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای؛
- بازدارندگی شبکه‌ای؛ و
- بازدارندگی غیرمستقیم.

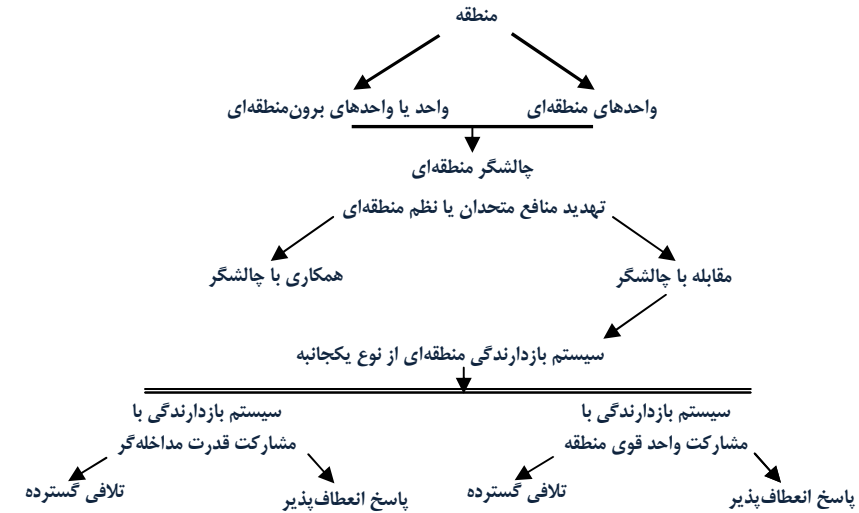
بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای

در بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده، واحد درگیر در ساخت بازدارندگی، خود به طور مستقیم در معرض تهدید رقیب قرار نمی‌گیرد؛^۱ به عبارتی طرف مقابل از قبل تعیین شده و مشخص نیست بلکه در دوره‌های مختلف ممکن است در برابر برخی واحدهای ناراضی منطقه‌ای، هدف‌گیری شود، در اینجا هدف بازداشتن رقیب از حمله به متحدان و تغییر نظم مطلوب خود است. در این مدل دو نقش متمایز چالشگری و مدافع وجود دارد که مدافع مشخص، و چالشگر نامعین خواهد بود. به‌طور کلی ساخت چنین بازدارندگی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

۱. در مورد سیستم بازدارندگی گسترده رجوع شود به:

- Stephan Blank, "Rethinking the Concept of Asymmetric Threats in Us Strategy", *Comparative Strategy*, Vol. 23, 2004, pp. 343-367;
- Edward Rhodes, "Conventional Deterrence", *Comparative Strategy*, Fall 2000, pp. 221-253;
- Paul huth, *Extended Deterrence and Prevention of War*, (New Haven, Yale University Press, 1988).

شکل ۲. بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای از طرف مداخله‌گر



در بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده، واحد دفاع‌کننده سعی در بازداشتن مهاجم بالقوه از حمله به متحدان یا کشورهای تحت‌الحمایه خود دارد و چتر حمایتی خود را بر دیگران می‌گستراند و در برخی مواقع، جنبه فوریتی دارد که در آن تهدیدات مدافع و پاسخ‌های مهاجم در وضعیت بحرانی قرار می‌گیرد و هر آن احتمال استفاده از نیروی مسلح وجود دارد (Signorino, 2006: 587). این سیستم از جمله مهم‌ترین شکل سیستم بازدارندگی است که توسط مداخله‌گر منطقه‌ای به منظور حمایت از واحدهای تحت‌الحمایه خود در برابر بی‌نظمی‌های منطقه‌ای و تهدیدهای سایر واحدها، علیه آنها به کار گرفته می‌شود.

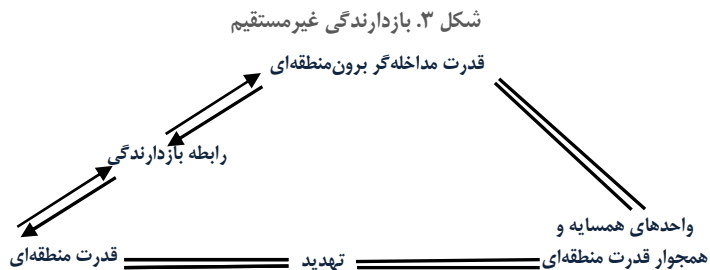
بازدارندگی غیرمستقیم منطقه‌ای

برخی حوادث اخیر و سناریوهای فرضی آینده، مفهوم نوین بازدارندگی غیرمستقیم یا بازدارندگی از طریق ضربه دوم و مثلثی را مطرح کرده است. در این نوع بازدارندگی، قدرت منطقه‌ای که به سبب ناتوانی تکنولوژیکی قادر به مقابله با تهدیدهای مستقیم قدرت بزرگ نیست، تلاش می‌کند با تهدید به وارد ساختن همسایگان و دولت‌های نزدیک در حوزه ضربات خود، با آن مقابله کند. در حقیقت بازدارندگی غیرمستقیم وضعیتی است که در آن قدرت ضعیف‌تر که توانایی بازداشتن قدرت قوی‌تر را ندارد، با تهدید هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و حتی

متعارف در برابر دولت‌های کوچک‌تر و همجوار خود و متحدان و دوستان قدرت بزرگ و حتی دولت‌های بی‌طرف که ارتباط سیاسی با نزاع‌های آینده ندارند، بازدارندگی ایجاد می‌کند (Harkavy, 1998: 63-65).

اصولاً بازدارندگی غیرمستقیم برای تحقق سه هدف زیر کاربرد دارد:

- جلوگیری از مداخله قدرت قوی و مداخله‌گر در امور منطقه؛
 - تهدید متحدان قدرت مداخله‌گر در امور منطقه؛ و
 - تأمین بقای دولت و رژیم سیاسی در برابر تهدیدها (Wilkening, 1995).
- شمای کلی این نوع بازدارندگی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



بازدارندگی شبکه‌ای

مهم‌ترین گام در بازدارندگی منطقه‌ای، در وضعیت عدم تقارن در قدرت نظامی، طراحی حوزه‌های استراتژیک و پیوند بین آنها به‌گونه‌ای است که مفروضات تئوریک سیستم بازدارندگی را تحقق بخشد. به عبارتی شرایطی را فراهم کند که معادله سود و هزینه، اقدام استراتژیک را تحت تأثیر قرار داده و باعث انحراف دشمن از حمله یا اقدام مورد نظر شود. به عبارتی شبکه‌سازی استراتژیک در دستورکار سیاست‌گذاری کشور قرار گیرد. در شبکه‌سازی، هدف اساسی، پیوند بین حلقه‌های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه‌های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی با یکدیگر است؛ به‌گونه‌ای که در صورت حمله به نقطه‌ای خاص از آن، سایر حلقه‌ها یا نقاط تحت تأثیر قرار گرفته و واکنش آنان را برانگیزد تا از این طریق هزینه اقدام دشمن افزایش یافته و بدین سبب از حمله منصرف شود.

در شبکه‌سازی نیز می‌توان از مدل‌های مختلفی استفاده کرد. در این راستا

می‌توان شبکه را به سه حالت سلسله‌مراتبی، ستاره‌ای و حلقوی ترسیم نمود. در سامانه سلسله‌مراتبی، فرایند کنترل از بالا به سمت پایین جریان می‌یابد. در این سامانه، حوزه‌ها به صورت بلوکی به حلقه اصلی متصل هستند و هرچه از قاعده هرم به رأس نزدیک شویم، از تعداد حلقه‌های اصلی کم خواهد شد. در اینجا واحد یا واحدهای بازدارنده، مجموعه‌ای از حلقه‌ها را در حمایت خود سامان‌دهی کرده یا به گونه‌ای آنان را به یکدیگر پیوند می‌دهند که در صورت خسارت به واحد اصلی، شبکه یا سامانه تحت کنترل شبکه فرو خواهد پاشید و خود سبب‌ساز بی‌نظمی‌های شدیدی خواهد شد. این بی‌نظمی‌ها می‌توانند با تحمیل خسارت بر واحد یا واحدهای خاص، نقش بازدارندگی را ایفا نمایند. در این نوع شبکه‌ها، قدرت واحدها براساس جایگاه آنها در شبکه مشخص خواهد شد. این جایگاه نیز تحت تأثیر متغیرهای زیر شکل می‌گیرد:

- مرکزیت در جریان شبکه؛
- مأموریت و وظیفه خاص در درون شبکه؛
- انعطاف‌پذیری در پاسخ به وضعیت‌های خاص؛ و
- نمایان بودن عملکرد واحد در نزد دیگران (Lewicki, 1999: 185).

از سوی دیگر، در سامانه شبکه‌ای ممکن است واحدها به صورت چرخه‌ای نیز به یکدیگر مرتبط باشند و رابطه آنها به صورت خطی برقرار شود. در اینجا نوعی ارتباط و پیوند کارکردی بین حلقه‌ها برقرار است که در آن محصول و خروجی یک حلقه یا خرده‌شبکه، ورودی دیگری محسوب می‌شود. در این حالت خسارت به هرکدام از حلقه‌ها، می‌تواند منجر به ناکارآمدی کلی شبکه شود و از این طریق هزینه اقدام دشمن افزایش یافته و به بسیج واحدهای شبکه در برابر آن منجر شود.

سرانجام شبکه‌های ستاره‌ای قرار دارند. در این مدل یکی از واحدها نقش بسیار اساسی در شبکه بازی می‌کند که این نقش متأثر از قدرت یا جایگاه پیوندی آن خواهد بود. در این مدل، روابط واحدها به سمت واحد مرکزی سمت‌گیری شده است. در صورت تحقق چنین وضعیتی در روابط بین‌الملل، واحد مذکور با بهره‌گیری از این موقعیت می‌تواند از قدرت بازدارندگی در برابر واحدهای متخاصم برخوردار شود.

در عرصه روابط بین‌الملل، شبکه‌ها از منظر گستره نیز به دو دسته محلی و گسترده قابل تقسیم هستند. شبکه‌های محلی برد محدودی در سیستم دارند و بخشی از موضوعات سیستمی را شامل شده یا گستره جغرافیایی محدودی را دربرمی‌گیرند. درحالی‌که شبکه گسترده دارای بُرد وسیع‌تری بوده و سطوح موضوعی و مکانی بیشتری را تحت پوشش قرار می‌دهد. در حوزه روابط بین‌الملل شبکه‌های ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوپلیتیک در زمره شبکه‌های گسترده‌ای هستند که هرکدام شبکه‌های محلی متعددی را در درون خود جای داده‌اند. در این راستا، شبکه ژئوپلیتیک از چندین شبکه محلی یا مناطق فرعی ژئوپلیتیک تشکیل شده که همگی در قالب شبکه گسترده‌تر ژئوپلیتیک یا ژئواستراتژیک معنا و مفهوم می‌یابند. شبکه ژئواکونومیک نیز از سه شبکه محلی یا فرعی تحت عنوان شبکه مرکز، پیرامون و شبه‌پیرامون تشکیل شده است. سرانجام شبکه ژئوکالچر از شبکه‌های محلی تحت عنوان تمدن‌ها تشکیل شده است. از سوی دیگر با پیوند این سه شبکه گسترده، شبکه پیچیده و گسترده جهانی شکل می‌گیرد.

در مجموع مهم‌ترین کاربردهای شبکه در حوزه بازاریابی عبارتند از:

- متضرر نمودن دشمن از طریق قطع ارتباط کارکردی بین حلقه‌های شبکه؛
- ایجاد اختلال در شبکه و در نتیجه درگیر ساختن همزمان دشمن در بحران‌های مختلف؛
- افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و در نتیجه افزایش فشارهای بازاریابی بر دشمن؛
- افزایش احتمال اتحاد و ائتلاف علیه دشمن؛
- افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح محلی و منطقه‌ای به سایر سطوح افقی از جمله جهانی؛ و
- افزایش احتمال سرایت عمودی بحران‌ها و درگیر ساختن سایر سطوح موضوعی.

سیستم بازاریابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحول عمده‌ای در روابط استراتژیک ایران با

برخی واحدهای سیستم بین‌الملل از جمله امریکا رخ داد که نتیجه این تحول، بروز جنگ عراق علیه ایران، تحریم‌ها و افزایش فشارهای ساختاری سیستمی بوده و می‌باشد. در نتیجه از بُعد استراتژیک، یکی از ضرورت‌های لازم در پاسخ به این فشارها، شکل دادن به سیستم بازدارندگی، به منظور جلوگیری از جنگی دیگر یا فراهم ساختن شرایط تحقق منافع استراتژیک منطقه‌ای کشور است. اما این سیستم تحت تأثیر متغیرها، وضعیت‌ها و محیط‌های امنیتی^۱ مختلفی شکل می‌گیرد که البته محیط‌های مذکور از بُعد نظم یا آشوب‌های احتمالی با یکدیگر متفاوتند (Lemke, 2002). سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران براساس کارکرد متغیرهای مختلف زیر شکل می‌گیرد و همچنین براساس تعامل متغیرهای مذکور، مدل و استراتژی‌های آن نمایان می‌گردد.

عوامل تأثیرگذار بر سیستم بازدارندگی منطقه‌ای ایران

سیستم بازدارندگی یک‌جانبه قدرت مداخله‌گر

اصولاً سیستم بازدارندگی منطقه‌ای به‌ویژه توسط کشورهای ناراضی منطقه‌ای مانند ایران، در پاسخ به سیستم کنترلی قدرت مداخله‌گر طراحی می‌شود. به عبارتی مهم‌ترین تهدیدی که از ناحیه این کشورها، استراتژیک محسوب شده و برای مقابله با آن سیستم بازدارندگی خود را طراحی می‌کنند، تهدیدات ناشی از حضور قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای در منطقه و اقدامات استراتژیکی آن است. بدین ترتیب ایران پیش از هر چیز با سیستم بازدارندگی منطقه‌ای امریکا روبه‌رو است. واقعیت‌های تجربی به‌ویژه جنگ عراق علیه ایران، حمله عراق به کویت و مداخله امریکا و متحدان آن و همچنین حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور و موضع‌گیری‌های آن در برابر ایران، حاکی از وجود سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه امریکا در سیستم منطقه‌ای خلیج فارس است. علاوه بر آن، امریکا نیز خود را شدیداً در معرض چالش‌های ناشی از رقبای درون منطقه‌ای می‌بیند که نفوذ منطقه‌ای آن مورد



۱. در مورد ابعاد تئوریک محیط امنیتی رجوع شود به:

Shipping Tang, "A Systemic Theory of The Security Environment", *The Journal of Strategic Studies*, Vol. 27, No. 1, March 2004, pp. 1-34.

چالش قرار گرفته است. این موضوع، همراه با اهمیت جهانی و ژئوپلیتیکی حوزه‌های استراتژیکی ایران، حضور امریکا را در حوزه‌های مذکور جدی‌تر ساخته است. بنابراین از نظر ایران، سیستم بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای امریکا در حوزه‌های استراتژیک آن، از جمله متغیرهای مهم در روابط استراتژیک منطقه‌ای کشور محسوب می‌گردد.

جغرافیا و شبکه ارتباطی

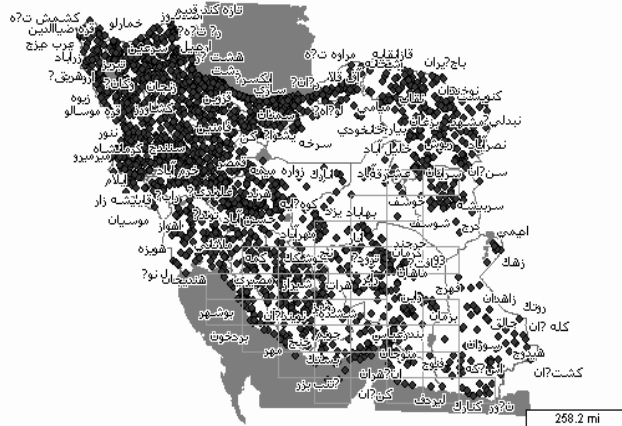
دومین گروه از متغیرها که در نحوه ارزیابی استراتژیک ایران و تعیین نوع سیستم بازدارندگی و استراتژی‌های آن مؤثر خواهند بود، متغیرهای جغرافیایی است. جغرافیای انسانی و نحوه توزیع جمعیتی در کشور، نخستین گروه از متغیرهای جغرافیایی تأثیرگذار بر سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا بررسی نمودار پراکندگی جمعیت در کشور، گویای این واقعیت است که در سال ۱۳۸۳ تراکم جمعیت در هر کیلومتر ۴۱ نفر، در استان تهران ۶۲۸ نفر و شهر تهران ۸۶۱۴ نفر می‌باشد. همچنین ۶/۱۰ درصد از کل جمعیت کشور در یک‌بیستم یک درصد از مساحت کشور در تهران زندگی می‌کنند و در استان تهران ۷/۱۷ درصد جمعیت، در محدوده ۱/۱ درصدی از مساحت کشور ساکن شده‌اند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶). تمرکز جمعیت در نقاط خاص سبب آسیب‌پذیری در برابر استراتژی‌های ضد شهری دشمن خواهد شد که همین موضوع، استراتژی‌های دفاعی را ضروری می‌نماید.

از سوی دیگر، جغرافیای اقتصادی ایران نیز بر تمرکز فعالیت‌ها در گستره محدودی از خاک ایران دلالت دارد. در حال حاضر تهران مهم‌ترین قطب صنعتی کشور محسوب می‌شود. در سال ۱۳۸۰، از مجموع ۹۲۰ هزار نفر شاغل در کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارگر به بالا، ۲۷۴ هزار نفر در تهران هستند و یک‌سوم از ارزش افزوده صنعتی این کارگاه‌ها به استان تهران اختصاص دارد. علاوه بر آن، توزیع فضایی این صنایع در سطح خود استان نیز بسیار نامتوازن است و از مجموع ۱۲ شهرستان موجود در استان تهران، شهرستان تهران ۶۳/۰۳ درصد از مجموع صنایع را در خود متمرکز نموده و در سال ۱۳۸۱ نیز از مجموع ۲۷۱۰۱

مورد از جوازهای صادره توسط وزارت صنایع، ۲۰۴۵ مورد به استان تهران تعلق داشته است (قالیباف، ۱۳۸۵: ۱۲-۳) که بیانگر روند گذشته است؛ بنابراین ایران از این بُعد نیز آسیب پذیر بوده و در نتیجه به دلیل وجود نقاط حساس، بر ضرورت‌های دفاعی می‌افزاید.

از سوی دیگر، تمرکز خطوط حساس نفت و گاز در حوزه غرب و جنوب ایران که اتفاقاً برخی از حریفان استراتژیک در آن ناحیه حضور دارند نیز ضرورت‌های دفاعی را تشدید می‌کند. تمرکز منابع معدنی نیز در همین راستا قابل توضیح است. نقشه‌های زیر بیانگر چنین تمرکزی هستند.

شکل ۴. نحوه پراکندگی جمعیتی در گستره جغرافیایی ایران



شکل ۵. نحوه پراکندگی خطوط لوله نفت و گاز در ایران



جدول ۱- انواع راه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و ترابری (کیلومتر)

سال و استان	جمع	آزادراه	راه اصلی			راه فرعی آسفalte		
			چهارخطه (بزرگراه)	عریض	معمولی	عریض	درجه یک	درجه دو
۱۳۷۵	۷۹۱۸۳	۶۱۵	۲۰۲۴	۳۱۶۸	۱۸۵۳۰	۱۰۶۱۴	۱۴۹۹۴	۸۳۲۲
۱۳۸۰	۸۰۷۲۰	۷۱۷	۴۲۶۷	۳۹۶۳	۱۷۶۳۲	۱۱۲۲۶	۱۸۷۷۷	۷۳۶۰
۱۳۸۱	۸۱۳۱۳	۷۵۱	۴۵۹۲	۴۰۰۵	۱۹۷۲۶	۱۰۴۵۹	۱۸۷۳۴	۶۷۲۷
۱۳۸۲	۸۰۷۱۱	۸۷۸	۵۲۲۶	۳۹۷۳	۲۰۰۴۵	۱۲۰۲۶	۱۷۴۳۹	۶۰۸۰
۱۳۸۳
۱۳۸۴	۷۱۷۱۱	۱۲۳۲	۵۱۶۱	۳۳۲۷	۱۸۶۶۹	۸۴۱۳	۱۹۷۹۵	۹۱۶۰
آذربایجان شرقی	۲۹۴۶	۲۹	۱۱۸	۰	۸۶۷	۳۵۱	۱۰۵۱	۳۱۶
آذربایجان غربی	۲۷۳۰	۰	۸۱	۱۳۲	۶۰۰	۴۲	۷۴۲	۹۳۵
اردبیل	۱۲۳۶	۰	۶۴	۴۴	۴۸۰	۲۳۰	۳۳۷	۵
اصفهان	۴۴۵۰	۳۰۵	۹۳۸	۴۹۰	۱۷۶۲	۱۵۸	۶۶۵	۱۱۴
ایلام	۱۴۰۸	۰	۱۰	۱۳۹	۲۴۵	۱۹۵	۴۹۸	۱۵۴
بوشهر	۱۶۰۳	۰	۱۸۸	۳	۴۰۲	۸۲	۶۰۵	۲۸۶
تهران	۱۲۸۰	۱۸۳	۲۸۵	۱۳۱	۳۰۱	۸۹	۲۲۵	۵۷
چهارمحال و بختیاری	۱۴۲۷	۰	۲۶	۲۵۵	۷۶۵	۱۳۱	۲۲۴	۸
خراسان جنوبی	۳۱۱۶	۰	۰	۶۲	۴۹۲	۴۵۲	۵۰۶	۶۱۱
خراسان رضوی	۵۹۳۰	۴۰	۳۷۲	۹	۱۲۲۹	۷۰۳	۱۶۱۱	۹۰۸
خراسان شمالی	۱۰۲۹	۰	۳۱	۱۸	۳۵۴	۶۱	۲۹۸	۱۱۰
خوزستان	۴۱۴۶	۰	۳۱۷	۵۲۹	۱۱۷۰	۶۱۸	۹۹۱	۳۵۶
زنجان	۱۳۲۶	۱۸۸	۱۶	۱۱۸	۲۵۴	۲۸۱	۳۴۶	۹۸
سمنان	۱۳۴۸	۰	۴۱۳	۴۲	۳۴۵	۹۰	۳۱۴	۱۴۵
سیستان و بلوچستان	۵۴۵۱	۰	۲۰	۶۶	۱۴۲۴	۶۰	۷۴۱	۲۵۰۷
فارس	۶۰۰۴	۰	۳۳۲	۹۱	۱۵۹۶	۱۳۵۹	۱۷۱۴	۵۵۳
قزوین	۱۱۸۷	۱۶۵	۸۲	۸۴	۳۴۶	۴۷	۴۴۸	۱۵
قم	۵۷۶	۱۳۵	۱۲۶	۱	۹۴	۷۳	۱۳۲	۴
کردستان	۱۵۷۰	۰	۱۷	۲۰	۲۸۵	۳۳۷	۶۵۸	۳۱

۴۶۹	۱۳۱۶	۷۷۰	۱۳۱۵	۵۴	۲۵۵	۳۲	۴۳۹۶	کرمان
۳۰	۹۰۳	۳۷۶	۳۱۴	۱۹۴	۲۰۰	۰	۲۲۷۶	کرمانشاه
۱۵۹	۲۴۹	۲۸۷	۱۰۲	۲۵۷	۳	۰	۱۰۹۶	کهگیلویه و بویراحمد
۱۳	۳۲۲	۳۲	۵۰۲	۶۲	۱۲۷	۰	۱۰۹۷	گلستان
۷۹	۶۸۳	۱۳۳	۲۵۱	۱۰۶	۲۲۴	۰	۱۵۸۳	گیلان
۷۱	۳۵۴	۱۶۸	۵۷۸	۸۹	۶۵	۰	۱۳۹۹	لرستان
۱۷	۹۶۹	۲۵۰	۴۳۸	۵۳	۲۴۲	۱۳	۲۰۴۷	مازندران
۱۷۹	۵۸۵	۷۳	۵۳۴	۶۲	۱۷۲	۱۰۰	۱۸۲۳	مرکزی
۵۵۳	۱۲۸۲	۲۴۸	۳۰۵	۱۹۳	۸۳	۱۶	۲۷۸۲	هرمزگان
۲۲	۴۶۲	۴۲۵	۳۲۱	۲۴	۲۵۱	۲۴	۱۶۱۵	همدان
۳۵۳	۵۶۱	۲۹۱	۹۹۷	۰	۱۰۳	۰	۲۸۳۴	یزد

منبع: وزارت راه و ترابری، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصاد حمل‌ونقل، دفتر اطلاعات و آمار حمل‌ونقل، ۱۳۸۵.

جغرافیای ایران همچنین به گونه‌ای است که اصل پراکنده‌سازی به‌عنوان یکی از اصول تأثیرگذار بر معادله دفاع - تهاجم تحقق می‌یابد. وجود دو کویر بزرگ (دشت کویر و کویر لوت) که در نواحی مرکزی و شرق ایران گسترش یافته و مناطق وسیعی بین استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی، یزد، اصفهان، تهران، خراسان رضوی و شمالی را دربرمی‌گیرد، امکان پراکنده‌سازی را فراهم می‌سازد. علاوه بر آن، در نواحی مرکزی ایران تراکم جمعیت به‌گونه‌ای است که می‌توان از آنها در استراتژی ملی بهره برد.

محدودیت‌های ساختاری

محدودیت‌های ساختاری از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا این پرسش مطرح خواهد بود که این محدودیت‌ها چگونه بر کشور اعمال می‌شوند؟ وقایع تجربی گویای این موضوع هستند که این محدودیت‌ها از دو طریق بر این کشور تحمیل خواهند شد: نخستین شکل در قالب بازدارندگی یک‌جانبه صورت می‌گیرد. امروزه امریکا با بهره‌گیری از موقعیت هژمونیک خود، بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده را به‌عنوان سیستم کنترل

منطقه‌ای پذیرفته و در خلیج فارس، در دوره‌های مختلف از جمله حمله به عراق نشان داده و ایران نیز به این واقعیت آگاهی دارد؛ اما از دیدگاه امریکا، استراتژی بازدارندگی سنتی و دیپلماسی کلاسیک، کارآمدی خود را در دوره نوین از دست داده است. این استراتژی جنبه محافظه‌کارانه داشته و مبتنی بر حفظ وضع موجود است و در وضعیت‌های قابل پیش‌بینی کار می‌کند. زمانی که عناصر تعریف تغییر کنند، این تئوری کاربرد ندارد. از اینجاست که امریکا دکترین نوین خود را تحت عنوان جنگ‌های پیشدستانه و پیشگیرانه به‌عنوان استراتژی مکمل بازدارندگی گسترده مطرح می‌نماید. عنصر اساسی در اینجا، تصور تهدیدها از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از جانب دولت‌هایی مانند ایران، عراق و کره شمالی است که امریکا آنها را محور شرارت می‌داند.^۱

از سوی دیگر، منطقه خاورمیانه که جزء حوزه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، محل اعمال استراتژی‌های نوین امریکاست. از منظر استراتژی امریکا، ایران، عراق، سوریه، لبنان، به‌علاوه کره شمالی می‌توانند در وقایع و حوادث غیرمنتظره درگیر شوند. از منظر امریکا، همه این کشورها حامی تروریست بوده و با هم‌پیمانان امریکا خصومت ذاتی دارند و برنامه هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی را دنبال می‌کنند (Russell, 2004: 101). موضوعات مذکور اهداف زیر را در دستور کار استراتژیک امریکا به‌ویژه در خاورمیانه قرار داده است:

■ اطمینان‌سازی در کشورهای تحت‌الحمایه امریکا در قبال حملات دشمن؛
■ انصراف‌سازی به این معنی که دشمنان را از تعقیب یا دستیابی به توانایی‌های تهدیدکننده باز داشت؛

■ بازدارندگی در برابر حملات دشمنان؛ و

■ شکست دشمنان در صورت ضرورت (Russell, 2004: 101).

در دوره اخیر، به‌طور کلی دکترین استراتژیک امریکا بر عوامل زیر مبتنی است: تفوق و سرآمدی، جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه دشمن بالقوه‌ای که خواهان

۱. نگاه کنید به:

George W. Bush, *Delivers Graduation Speech at West Point*, (Washington DC: The White House, June 2002).

تقویت زیرساخت‌های نظامی برای رقابت با امریکا باشد، پیشدستی یعنی حذف توانایی‌ها یا رژیم‌هایی که برای ایالات متحده تهدید محسوب می‌شوند، و یک‌جانبه‌گرایی در اعمال استراتژیک خود. این بدان معنی است که امریکا از طریق سیستم‌های مورد نظر خود، مخالفان منطقه‌ای از جمله ایران را شدیداً تحت فشارهای مختلف قرار خواهد داد. این فشارها به معنای محدودسازی رقبای منطقه‌ای از جمله ایران در درون مرزها و کاهش توان تهاجمی آنهاست که معادله دفاع - تهاجم را به نفع دفاع منطقه‌ای قدرت ناراضی تغییر می‌دهد.

ترکیب و ساخت نیروهای مسلح و تسلیحات نظامی

نیروهای نظامی در ایران، از دو ساخت اساسی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شده که در این میان، نیروی سپاه، نوین بوده و براساس قانون اساسی وظیفه حفاظت از انقلاب اسلامی را برعهده دارد. در این میان نیروی شبه‌نظامی بسیج از جایگاه ویژه‌ای در استراتژی نظامی کشور برخوردار است و به نظر می‌رسد با توجه به ساخت و کارکرد این نیرو، وظیفه دفاعی و به‌ویژه دفاع در عمق را برعهده داشته باشد. مانورهای برگزار شده توسط این نیرو نیز همین واقعیت را نمایان می‌سازد. برای نمونه رزمایش «ایران مقتدر» که در منطقه عمومی قم برگزار شد، مقابله با دشمن در شرایط مختلف، از جمله دفاع شهری را به تمرین گذاشت (خبرگزاری مهر، ۳ آبان ۱۳۸۶).

از سوی دیگر نوع تسلیحات نظامی ایران نیز بیشتر ویژگی دفاعی دارد. آزمایش موشک‌هایی با بُرد ۱۵۰ کیلومتر در دریا (وزارت دفاع، ۳۱ فروردین ۱۳۸۶)، تلاش برای افزایش توان سیستم پدافند هوایی (وزارت دفاع، ۱۷ فروردین ۱۳۸۶)، ساخت ناوچه‌های موشک‌انداز سینا (وزارت دفاع، ۷ آذر ۱۳۸۶)^۱، گویای برتری دفاع، در معادله استراتژیک دفاع - تهاجم در استراتژی جمهوری اسلامی ایران است یا برخی از آنها مانند موشک‌های قدر و عاشورا در بازدارندگی غیرمستقیم در برابر امریکا مؤثرند.



ویژگی‌های محیط شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران

یکی دیگر از عواملی که از بُعد جغرافیایی بر استراتژی ایران اثرگذار خواهد بود، موضوع جغرافیای منطقه‌ای است. ایران از بُعد منطقه‌ای حد واسط مناطق ژئوپلیتیک خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، جنوب غربی آسیا و اروپا قرار گرفته است. خلیج فارس از نظر تولید انرژی، اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی داشته و امریکا به‌عنوان هژمون سیستم ژئوپلیتیکی بین‌الملل، در آن حضور پایدار و مداوم دارد. آسیای میانه و قفقاز نیز ضمن اهمیت ژئوپلیتیکی، منطقه نفوذ روسیه محسوب می‌شوند، بنابراین روسیه به طور مستقیم اعمال نقش می‌نماید. در جنوب غربی، هند و پاکستان دو قدرت هسته‌ای هستند. امریکا نیز در افغانستان حضور دارد و ناتو نیز تا مرزهای شمال غرب ایران گسترش یافته است. به این ترتیب، جغرافیای منطقه‌ای ایران شدیداً بر معادله دفاع - تهاجم و از آن طریق بر استراتژی این کشور اثرگذار خواهد بود. به‌عبارتی از یک طرف فشارهای ساختاری منطقه‌ای، بُعد تهاجمی استراتژی ایران را پُر هزینه نموده و از سوی دیگر اعمال نقش به‌عنوان حلقه ارتباطی نقاط مختلف، بُعد دفاعی بازدارندگی ایران را از طریق افزایش توان شبکه‌سازی تقویت می‌کند.

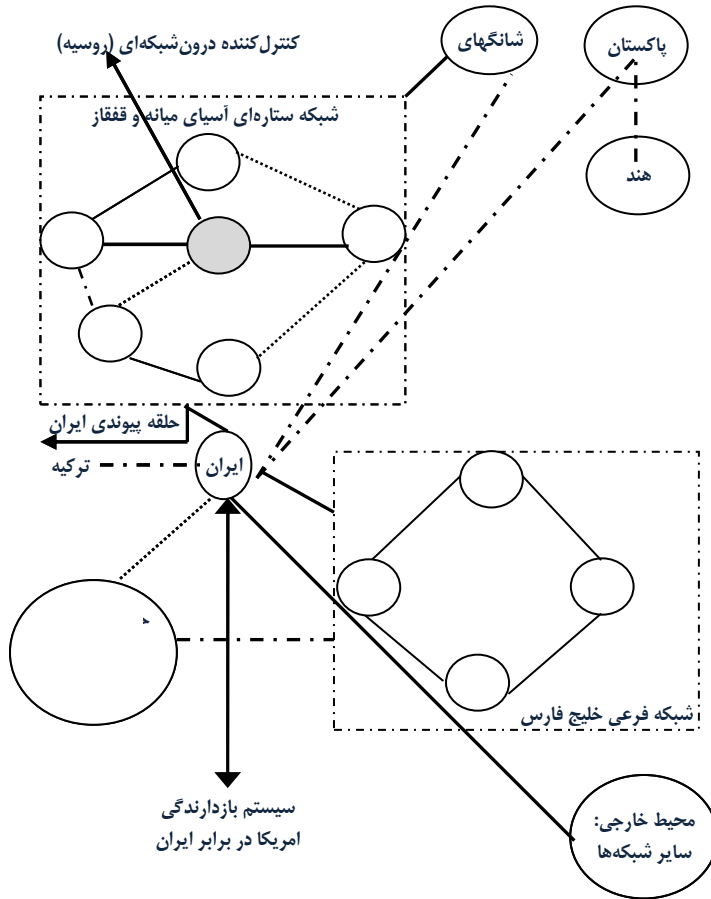
از منظر جغرافیای جهانی نیز ایران در کانون یکی از مهم‌ترین سیستم‌های ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری سیستم هژمونیک به رهبری امریکا، خلیج فارس و خاورمیانه را به‌عنوان مهم‌ترین گستره ژئوپلیتیکی مطرح ساخته است. از همان ابتدا، این سیستم و طراحی نوین آن در دستورکار استراتژیک امریکا قرار گرفته که می‌توان از نقشه راه، طرح خاورمیانه بزرگ، حمله به افغانستان و عراق و... نام برد؛ بدین ترتیب محدودیت‌های جغرافیایی شدیدی بر استراتژی و قدرت مانور این کشور تحمیل می‌شود. از سوی دیگر ایران با واحدهای اصلی رقیب هژمونی امریکا یعنی روسیه و چین نیز به‌دلیل جغرافیایی یا پیوند سازمانی (شانگهای) در یک گستره مشترک قرار می‌گیرند که این موضوع به شکل‌گیری یا بازتعریف شبکه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند. از این منظر، شبکه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌شود که از آن می‌توان برای ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدهای نامتقارن سیستم بازدارندگی

یک‌جانبه قدرت مداخله‌گر استفاده نمود.

به‌طورکلی و در همین راستا، سامانه مذکور، بر محوریت مقابله با سیستم بازدارندگی یک‌جانبه امریکا، در یکی از مهم‌ترین حوزه‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران یعنی خلیج فارس شکل می‌گیرد. در صورت هدف‌گیری این سیستم در برابر ایران، بازی استراتژیک از نوع بازی‌های نابرابر خواهد بود؛ به همین سبب ایران از سامانه شبکه‌ای به‌منظور مقابله بهره خواهد برد. این سامانه از چندین خرده‌شبکه از جمله خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، شانگهای، جنوب غربی آسیا از جمله هند و پاکستان، و کمربند خاورمیانه از جمله لبنان، سوریه، فلسطین تشکیل شده است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این سامانه شبکه‌ای عبارت است از:

۱. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه‌ای و جهانی آن؛
 ۲. ویژگی‌های برجسته ژئواکونومیکی به‌ویژه خرده‌شبکه خلیج فارس؛
 ۳. وجود زمینه‌های بالقوه پیوند و ارتباط بین حلقه‌های سامانه از طریق جمهوری اسلامی ایران مانند کریدور شمال - جنوب، خطوط لوله گاز به هند و پاکستان، همکاری در انتقال نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز به سایر نقاط جهان با هزینه کمتر و فرصت‌های تجاری و اقتصادی مشترک؛
 ۴. وجود قدرت‌های بزرگ سیستم و رقبای بالقوه امریکا در چرخه جهانی قدرت مانند روسیه، چین و هند و ذی‌نفع بودن آنها در سامانه مذکور؛
 ۵. وجود پیوندهای تاریخی، قومی و دینی ایران با بسیاری از حلقه‌های سامانه شبکه‌ای مذکور؛
 ۶. وجود جنبش‌های ضد سیستمی در این سامانه در برابر امریکا به‌عنوان طراح سیستم بازدارندگی یک‌جانبه احتمالی در برابر ایران؛
 ۷. وجود آسیب‌پذیری‌های بالقوه در سامانه شبکه‌ای مذکور که فراهم‌کننده بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم است؛ و
 ۸. آسیب‌پذیری‌های متحدان منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر امریکا در برابر سیستم بازدارندگی منطقه‌ای ایران.
- با توجه به این خصلت‌ها، سامانه بازدارندگی شبکه‌ای ایران را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:

شکل ۸. سامانه کنترل شبکه‌های جمهوری اسلامی ایران



ویژگی‌های بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

با توجه به معادله دفاع - تهاجم ایران، ساخت کلی سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از نوع دفاعی است. در این راستا و برپایه الزامات تئوریک، ایران سه نوع بازدارندگی دفاعی در اختیار خواهد داشت:

- استراتژی بازدارندگی متعارف دفاعی؛
- بازدارندگی غیرمستقیم؛ و
- بازدارندگی شبکه‌ای؛

در حوزه بازدارندگی، سیستم متعارف دفاعی ایران به چند دلیل دارای مزیت

خواهد بود:

■ عناصر موجود در معادله دفاع، تهاجم تشویق‌کننده دفاع است؛
■ محیط خارجی ایران ناآرام بوده و افزایش سطح تنش در این محیط مطلوب ایران نخواهد بود؛

■ ساخت جغرافیایی و نقشه ژئوپلیتیکی ایران از جمله ترکیب کوه‌ها، کوه‌ها، جنگل و غیره به گونه‌ای است که ایران را دفاع‌پذیر نموده و به همین سبب با هزینه بسیار کمتر از تهاجم می‌تواند محیط امنیتی خود را به صورت مطلوب حفظ کند؛
■ ساخت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که بیشتر ویژگی دفاعی دارد. برای نمونه ساختار نیروهای بسیج چنین تمایلی را در استراتژی ایران سبب خواهد شد.

سیستم بازدارندگی غیرمستقیم و مثلی، دومین سیستم مطلوب دفاعی است. اصولاً یکی از سیستم‌های بازدارندگی منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر، بهره‌گیری از سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه است. با توجه به عدم تقارن استراتژیک مداخله‌گر و ایران، سیستم‌های بازدارندگی مستقیم و دوجانبه یا متقابل می‌تواند خطرناک باشد. به همین جهت از آنجا که هدف بازدارندگی گسترده مداخله‌گر، حفظ متحدان منطقه‌ای است که برای آن ارزشمند محسوب می‌شوند، بازدارندگی منطقه‌ای غیرمستقیم می‌تواند با هدف‌گیری آنها، نسبت به خنثی‌سازی تهدیدات احتمالی مؤثر باشد؛ ضمن اینکه چنین کشورهایی را نیز در وارد شدن به تعارضات احتمالی قدرت مداخله‌گر با ایران، به اندیشه وامی‌دارد.

سرانجام سیستم بازدارندگی شبکه‌ای، سومین سیستم کاربردی استراتژیک محسوب می‌شود. جایگاه ایران در نقشه ژئوپلیتیکی منطقه و سامانه شبکه‌ای خود، مزیت خاصی به این کشور در به‌کارگیری این سیستم می‌بخشد. قرار گرفتن بین سه منطقه ژئوپلیتیکی مهم خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا مزیتی است که کشورهای محدودی از آن برخوردارند اما آنچه در استراتژی ایران مهم تلقی می‌شود، پیوند سه حلقه مذکور با یکدیگر است که ایران در حال حاضر با بهره‌گیری از کریدور شمال - جنوب و خط لوله گاز آن را دنبال می‌کند. همچنین باید در آینده استراتژی‌های دیگری از جمله پیوستن به برخی رژیم‌های منطقه‌ای در حال تکامل، مانند شانگهای را پیگیری یا در ایجاد رژیم‌های جدید منطقه‌ای یا

تقویت رژیم‌های موجود گام بردارد.

سیستم شبکه‌ای از سه مزیت اساسی زیر در حوزه استراتژیک ایران برخوردار است:

۱. از نقش منفی برخی مناطق مانند خلیج فارس در شکل‌دهی به محیط امنیتی ایران خواهد کاست یا حداقل از شدت آن می‌کاهد؛
۲. با پیوند حلقه‌های مذکور، ضمن افزایش توان چانه‌زنی ایران، از توان و قدرت مانور قدرت‌های مداخله‌گر از جمله امریکا می‌کاهد؛
۳. در مواقع ضروری از توان بازدارندگی شبکه در برابر دشمن استفاده می‌شود.

نتیجه‌گیری

اصولاً بازدارندگی به دلیل محیط آناشیک سیستم بین‌الملل که در آن واحدها همیشه در معرض رفتارهای نامطلوب سایرین قرار دارند، امری رایج در سیاست خارجی و استراتژی کشورها محسوب می‌شود و هدف اصلی آن نیز جلوگیری از رخداد چنین رفتارهایی است. به دلیل ویژگی‌های مناطق، بازدارندگی در این حوزه بسیار حساس بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است؛ لذا بازدارندگی منطقه‌ای از بحث‌های تئوریک مهم در علم روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.

در حوزه کاربردی تئوری‌ها، انواع سیستم‌های بازدارندگی و کاربردهای منطقه‌ای آن مطرح می‌شود. این سیستم از دو مدل منطقی و فیزیکی تشکیل شده و برحسب ابزارها و سایر متغیرها، گونه‌های مختلفی را در خود جای داده است. کاربرد و جایگاه نوع خاصی از مدل دراستراتژی کشورها از جمله ایران، به متغیرهای ساختاری، جغرافیایی، تکنولوژی نظامی، ساخت نیروهای استراتژیک، و... بستگی دارد. بر این پایه، جمهوری اسلامی ایران باید سیستم‌های بازدارندگی نوع دفاعی از جمله سیستم بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم را در دستورکار استراتژیک خود قرار دهد. برقراری و طراحی این سیستم نیاز به الگوهای خاصی از دیپلماسی منطقه‌ای خواهد داشت که جمهوری اسلامی ایران باید در سیاست‌های کلی خود به آن توجه کند. *



منابع

الف - فارسی

- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۳. «نگرشی تئوریک بر مدل‌های جنگ و بازدارندگی در روابط بین‌الملل»، *مجله سیاست دفاعی*، سال سیزدهم، شماره ۱.
- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۴. *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: نشر میزان.
- قالیباف، محمداقبر. ۱۳۸۵. «درآمدی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در قرن ۲۱ با تمرکز بر اقتصاد در کلان‌شهر ملی»، *مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- میرحیدر، ذره. ۱۳۸۵. «سیاست و محیط زیست: مورد آلودگی شهر تهران»، *مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.

ب - لاتین

- Cantor, Louis and Steven Spiegel. 1974. *The International Politics of Regions: A Comparative Approach*, London: Prentice Hall.
- Garnham, David. 1996. *Deterrence essentials: Keys to Controlling an adversary's behavior*, Abu Dhabi: Emirate Center for Strategic Studies and Research.
- Harkavy, Robert. 1998. "Triangular or Indirect Deterrence Theory?" *Comparative Strategy*, Vol. 17, Issue 1.
- Kharyapin, A. L. 2005. "Conceptual Principle of Strategic Deterrence", *Military Thought*, No. 14.
- Lemke, Douglas. 2002. *Regions of War and Peace*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lewicki, Roy. 1999. *Negotiation*, New York: Mc Graw Hill Higher Education.
- Russell, James. 2004. "Nuclear Strategy and the Modern Middle East", *Middle East policy*, Vol. XI, No. 3.
- Signorino, Curtis and Ahmer Tarar, "Unified Theory and Test of Extended

- Immediate Deterrence”, *American Journal of Political Science*, Vol. 50, No. 3.
- Tang, Shiping. 2004. “A Systemic Theory of the Security Environment”, *The Journal of Strategic Studies*, Vol. 27, No. 1.
- Wilkening, Dean and Kenneth Watman. 1995. *Nuclear Deterrence in Regional Context*, Santa Monica: RAND.
- Wirtz, James J. 2005. *Disarmament, Deterrence and Denial, Comparative Strategy*, Vol. 24, Issue 5.

